

نکات بحث: اعتصابات اجتماعی

این نکات در مورد اعتصاب هایی اعمال می شود که (۱) اکثر شرکت کنندگان آنها در اتحادیه ها یا سایر سازمان های رسمی کارگری سازماندهی نشده اند؛ (۲) هدف اصلی نه فقط بر کارفرما بلکه رژیم یا ساختار اجتماعی باشد. و (۳) صاحبان قدرت چنین اقداماتی را به عنوان مشروع نمی پذیرند که ما آنها را "اعتصابات اجتماعی" می نامیم.

۱. سازمان

جایی که تشکل های کارگری، اندک، ضعیف، یا تحت کنترل کارفرمایان و/یا رژیم است، کارگران باید بتوانند به سرعت در مقیاس بزرگ سازماندهی شوند. این اتفاق بارها در طول تاریخ رخ داده است، از لهستان گرفته تا برزیل، آفریقای جنوبی و فیلیپین، اما به سازمانی انعطاف پذیری نیاز دارد که افراد می توانند یک شبه برای خود ایجاد کنند و به طور مداوم می توانند رهبران و شرکت کنندگان جدید را وارد کنند.

این سازمان ها معمولاً یکی از این دو شکل را دارند. برخی «شورای کارگری» هستند که در آن کسانی که با هم کار می کنند گرد هم می آیند، خود را به عنوان یک گروه تعریف می کنند و نمایندگانی را انتخاب می کنند. از نقاط قوت این رویکرد این است که همه کسانی که با هم کار می کنند شامل و نمایندگان دارای مشروعیتی هستند که با انتخاب شدن همراه است. نقطه ضعف این رویکرد این است که زمانی که دیدگاه کسانی که در کنار هم کار می کنند به شدت متفاوت باشد، به توافق رسیدن ممکن است غیرممکن باشد.

رویکرد جایگزین، «گروه های قرابت» است که در آن گروه های کوچکی از افراد (معمولاً ۱۰-۵ نفر) که به یکدیگر اعتماد کرده و دیدگاه ها را به اشتراک می گذارند با یکدیگر ملاقات کرده و گروهی را برای خود تعریف می کنند، سپس نمایندگانی را به

یک گروه هماهنگ کننده ("شورای سخنگو") می فرستند که اقدامات آنها را هماهنگ می کند. این فرم فاقد مشروعیت یک شورای کارگری است، اما به مردم اجازه می دهد تا در موقعیت هایی که حمایت اکثریت هنوز ظاهر نشده است، سازماندهی و ابتکار عمل کنند. همچنین به گروه ها اجازه می دهد تا اقدامات عمومی قابل مشاهده را انجام دهند و سپس برای جلوگیری از سرکوب به حالت نامرئی محو می شود.

در بسیاری از موقعیت ها، دعوت به تشکیل شوراهای کارگری و سازماندهی آنها اگر امکان آن وجود داشته باشد منطقی است، اما اگر امکان آن وجود نداشته باشد گروه های وابسته تشکیل داده می شود.

۲. منابع قدرت

اعتصابات اجتماعی بیانگر چندین نوع قدرت مختلف است. (۱) برای مالکان و مدیران مشاغل و مؤسساتی که تعطیل شده اند مشکل ایجاد می کنند . (۲) با تجسم ارزش ها و منافع آن در مخالفت با وضعیت موجود، جامعه گسترده ای را بسیج کند. (۳)

آن ها به مقامات انصراف از رضایت را نشان می دهند که نسبت به آن آسیب پذیر است. این موارد ممکن است تا حدی با یکدیگر تداخل داشته باشند. به عنوان مثال، اقدامات بی نظم ممکن است مقامات را بترساند اما در عین حال ممکن است بخش بزرگی از مردم را نیز بترساند. بخش بزرگی از هنر اعتصابات اجتماعی، در جلب نظر عموم مردم و در عین حال مقابله مؤثر با کارفرمایان و مسئولان، نهفته است.

۳. تعیین اهداف

در تعیین اهداف از انجام یک اقدام باید چندین معیار هماهنگ شوند. مطالبات باید نشان دهنده اهداف گسترده ای باشند که برای عموم مردم جذاب باشد. تقاضاها باید بخش های مختلف را متحد کند (مانند کارمندان خصوصی، کارمندان دولت، زنان، طبقه متوسط تحصیل کرده، قشر فقیر روستایی، قشر فقیر شهری و غیره) خواسته ها باید متضمن هنجارهای پذیرفته شده گسترده باشند. این خواسته ها ممکن است هنجارهایی باشند که به طور گسترده در جامعه وجود دارند، مانند حمایت از دموکراسی. ممکن است هنجارهای بین المللی مانند حقوق بشر و حقوق کار باشند که در برنامه همبستگی لهستانی گنجانده شده است. حتی ممکن است هنجارهایی باشند که در قانون اساسی وجود دارند، اما در عمل توسط مقامات انجام نشده اند. عموماً در یک اعتصاب اجتماعی می توان چنین اهداف اجتماعی گسترده ای را با اهداف و خواسته های گروه های محلی که می تواند توسط کارفرمایان فوراً برآورده شود ترکیب کرد مانند ساعات کار کمتر، افزایش دستمزد، تغییر در قوانین کار و غیره.

اهداف گسترده ای که نمی توانند فوراً محقق شوند را می توان با اهداف فوری که مقامات می توانند بدون تضعیف کامل اختیارات خود آن را اعطا کنند، ترکیب کرد.

به عنوان مثال آنها می توانند از اعطای آزادی عمومی بیان، تجمع و مطبوعات خودداری کنند، اما می توانند با آزادی زندانیان سیاسی آن موافقت کنند و گروه های پارتیزان را مهار کنند. اعتصابات اجتماعی و جنبش هایی که بخشی از آن هستند به فرآیندی برای برپایی و اصلاح اهداف ناز دارند. تالارهای گفتمان مشارکتی، که بسته به سطح سرکوب، ازادانه یا بسته برگزار می شوند، باید بخشی از این فرایند باشند.

۴. ارتباطات

در زمینه سرکوب، اشکال متعدد ارتباط در یک جنبش ضروری است. اینترنت و سایر ابزارهای شبکه اجتماعی "وب ۲" اخیراً تبدیل به بخش مهمی از اعتصابات اجتماعی شده اند. اما باید با طیف گسترده ای از تلفن های شرکتی، شبکه های شخصی، ارتباطات بین افراد و غیره تکمیل شوند. ارتباطات نیاز به انجام دو عملکرد دارد که هر کدام الزامات خاص خود را دارند. ارتباطات باید امکان شکل گیری سریع عقاید و اجماع را فراهم کند. و باید امکان هماهنگی سریع برای یک اقدام را فراهم سازد.

۵. مقابله با سرکوب

در مواجهه با احتمال یا وقوع یک اعتصاب اجتماعی، مقامات معمولاً به سرکوب روی می آورند، از آزار و اذیت گرفته تا دستگیری و شکنجه و ترور. اغلب موثرترین راه برای مقابله با سرکوب به معنای غیرمولد کردن آن برای مقامات از طریق یک "مبارزه سیاسی" است که در آن هر اقدام سرکوب کننده ای حمایت می کند و مشروعیت مسئول آن ها را بیشتر تضعیف می کند. این موضوع به طور کلی مستلزم نوعی از نظم برای پرهیز از خشونت است که در آن معترضان خود را به عنوان حامیان صلح، نظم و قانون مشروع به مردم معرفی می کنند و مقامات را به عنوان هولیگان های خارج از کنترل که سعی در حفظ قدرت خود از طریق خشونت نامشروع دارند، معرفی می کند.

این امر مستلزم تعهد به عدم خشونت به عنوان یک اصل جهانی نیست، اما مستلزم تعهد شرکت کنندگان به عدم روی آوردن به خشونت حتی با وجود انواع تحریکات است.

این موضوع اغلب می تواند با توافق رسمی توسط شرکت کنندگان برای اقدام غیرخسونت آمیز در طول اعتصابات و سایر اقدامات اعتراضی انجام شود.

در چارچوب تعهد اعتصاب کنندگان به عدم خسونت، هر اقدام سرکوب گرایانه و خسونت آمیز توسط مقامات می تواند به عنوان هولیگانیسم نامشروع در نظر گرفته شود و حتی افراد جامعه که به طور کامل از اهداف جنبش حمایت نمی کنند، می توانند حول مخالفت با سرکوب نامشروع بسیج شوند.

۶. تاکتیک

اعتصابات اجتماعی می تواند اشکال مختلفی داشته باشد. اعتصابات می توانند در صنایع پایه یا در فعالیت های تجاری شهری یا هر دو باشند. آن ها می توانند یک اعتصاب عمومی بزرگ یا اعتصاب های «غلطان» باشند که گروه های مختلف یکی پس از دیگری از آن خارج می شوند و سر کار می گردند. اعتراضات می توانند "سریع" باشند که یک روز یا حتی کمتر هستند، و همچنین می توانند اقدامات بی پایان باشند که تا پیروزی، شکست یا به خطر افتادن آشکار، ادامه می یابند.

اعتصابات اجتماعی اغلب شامل اشغال محل کار بوده اند (وقتی فعالان این خبر را پخش کردند، اعتصاب عمومی لهستان ظهور کرد: "مقر حزب را نسوزانید در عوض کارخانه ها را اشغال کنید.") چنین اشغال هایی، خسونت سرکوبگرانه را دشوارتر کنند. با این حال، توسط مقامات به عنوان یک چالش اساسی و حتی انقلابی برای قدرت خود تلقی می شوند که باعث می شود در دراز مدت تمایل کمتری به سازش داشته باشند.

اعتصابات اجتماعی می تواند شامل اقدامات بی سر و صدا یا مخرب خیابانی باشد یا می تواند به سادگی مردم را به در خانه ماندن دعوت کند. اقدامات خیابانی به اعتصاب کنندگان و حامیان اجازه می دهد تا شجاعت، اعتماد به نفس و مقاومت خود را در برابر سرکوب نشان دهند؛ اقدامات خیابانی، همچنین اهداف آسانی را برای سرکوب فراهم می کنند.

تاکتیک ها باید بر اساس ملاحظاتی از این قبیل انتخاب شوند: (۱) این که افراد مایل به انجام چه کارهایی با توجه به وضعیت کنونی جنبش هستند؛ (۲) واکنش عموم مردم به تاکتیک های مختلف چگونه خواهد بود؛ (۳) تاکتیک های مختلف ممکن است چه واکنشی را از سوی مقامات برانگیزد. (۴) این تاکتیک ها چه نتایج احتمالی خواهند داشت (مانند رویارویی، مذاکرات، تغییر در افکار عمومی، انشعاب و تغییر در

نگرش مقامات؛ و غیره).

توانایی تغییر تاکتیک ها می تواند یک دارایی بزرگ باشد. هنگامی که یک جنبش به یک تاکتیک خاص محدود باشد، مخالفان آن اغلب می توانند هزینه و درد ادامه ی آن را به اندازه ای بالا ببرند که در نهایت جنبش شکست بخورد. اگر جنبش بتواند به ابتکار خود تاکتیک ها را تغییر دهد، می توان از این امر جلوگیری کرد. زمانی که مقامات حاضر هستند تعداد زیادی از مردم را در خیابان ساقط کنند، اشغال محل کار ممکن است بهترین جایگزین برای ارائه باشد.

۷. اعمالی برای الگوبرداری و نمونه

اعتصابات اجتماعی اغلب از رهبری الگو می گیرند. اگر یک گروه از کارگران آماده باشند اقدامی را انجام دهند و با خطراتی که به دنبال دارد روبرو شوند، ابتکار عمل آنها احتمالاً دیگران را برای انجام کاری مشابه تشویق و الهام می بخشد. این کار می تواند بهترین راه برای مقابله با وضعیتی باشد که همه منتظر زمانی هستند که ببینند که آیا دیگران شجاعت و تعهد لازم را برای عمل کردن دارند یا خیر. چنین اقداماتی می تواند مقدم بر یک اعتصاب عمومی باشد و زمینه ساز آن باشد. چنین اقداماتی همچنین می توانند تاکتیک های جدیدی را برای مبارزه ای که در حال انجام است معرفی کنند.

۸. آزمایش ها

اعتصابات اجتماعی سرمایه گذاری هایی هستند در یک قلمرو ناشناخته. غیرممکن است که از قبل بدانیم دقیقاً شرکت کنندگان در واقع مایل به انجام این کار خواهند بود. همچنین امکان ندارد بدانیم مسئولین یا عموم مردم چطور واکنش نشان خواهند داد. جنبش ها می توانند اوضاع را بوسیله یک جنبش کوچک بسنجند. اگر مردم در تظاهرات مسالمت آمیز شرکت نکنند، شاید زمان مناسبی نباشد که آنها را به اعتصاب دعوت کنیم. برعکس، اگر تعداد زیادتری از حد انتظار بیرون بیایند، و همه آنها در مورد اینکه قدم بعدی چه خواهد بود صحبت می کنند، ممکن است زمان مناسبی برای اعتصابات باشد. اگر مقامات تظاهرکنندگان را کتک زدند و مردم خشم خود را ابراز می کنند و یا بخشهایی از تشکیلات از سرکوب انتقاد می کنند،

جنبش می تواند تا حدودی درک کند که می تواند از چه کسانی و انتظار حمایت داشته باشد و چه کسانی ممکن است مقامات را از سرکوب باز دارند.

۹. برد حاصل از باخت

مقامات سرکوبگر به طور کلی یک رشته طولانی از تاکتیک ها، از جمله تمسخر، طرد، تفرقه، آزار و اذیت و سرکوب برای از بین بردن یک جنبش استفاده می کنند. فقط زمانی که همه این روش ها در سرکوب جنبش شکست خورده باشند، مقامات مجبور می شوند که باید امتیازاتی بدهند و یا باید با تهدید جنبش به شیوه دیگری برخورد کنند. به نظر می رسد جنبش هایی که در نهایت پیروز می شوند، یک رشته طولانی شکست را متحمل شده اند (برای مثال شاهد مبارزه طولانی علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی باشید)

جنبش ها باید آماده باشند تا علی رغم چنین شکست هایی ادامه پیدا کنند (این همان چیزی است که در نهایت باعث موفقیت آنها می شود. جنبش ها باید چنین شکست هایی را به عنوان پله های ضروری در مسیر پیروزی تفسیر کنند و باید بر هنر عقب نشینی استراتژیک تسلط پیدا کنند، که، همانطور که مائو نشان داده است، شامل انجام حملات کوچک در چارچوب یک عقب نشینی گسترده تر است. یک عقب نشینی موفقیت آمیز، پیروزی حریف را توخالی می کند.

۱۰. استفاده از شکاف بین مقامات

همانطور که جین شارپ بسیار درخشان نشان داده است، چیزی که باعث موفقیت اکثر جنبش ها می شود داشتن قدرت بیشتر نسبت به مخالفانشان نیست، بلکه اینکه مخالفان و حامیانشان را وادار کنند به این نتیجه برسند که هزینه ادامه مبارزه خیلی بالاست، که معمولاً شکل ظهور «صلح» را از طرف افراد در قدرت به خود می گیرد.

ترویج چنین شکاف هایی یک هدف استراتژیک کلیدی برای اعتصاب اجتماعی است. این امر ابتدا مستلزم ساختاریست که جنبش و چالش آن از بین نرود. همانطور که شارپ می گوید، سرسختی، کلید موفقیت مقاومت غیرخشونت آمیز است. ثانیاً مستلزم آن است که عناصر بالقوه «جناح صلح» در تشکیلات به سمت "جناح جنگ" کشیده نشوند. که به طور کلی به این معنی است که حل و فصل مسالمت آمیز و دوستانه باید انجام شود، حتی در مواجهه با سرکوب.

۱۱. دعوا کنید، صحبت کنید.

اعتصاب اجتماعی چگونه پایان می یابد؟ اگر مقامات نتوانند آن را سرکوب کنند، سرانجام احتمالاً به نوعی مذاکره ضمنی یا رسمی روی می آورند. در لهستان و مناطق دیگر در اروپای شرق این امر به شکل «مذاکرات میز گرد» بین رژیم و مخالفان بود. که در آفریقای جنوبی پس از اعتصاب بزرگ COSATU، مذاکراتی بین رژیم و ANC با نمایندگی نلسون ماندلا انجام شد. حتی رژیم هایی که سوگند یاد کرده اند هرگز با مخالفان خود مذاکره نکنند، به احتمال زیاد این کار را در نقطه ای انجام می دهند که گزینه های دیگر حتی بدتر به نظر می رسند.

ایده مذاکره با "دشمن" همیشه ناراحت کننده است. همیشه حتمال انشعاب و فروش وجود دارد. اما عموماً این گونه است که جنبش ها و اعتصابات اجتماعی و منجر به تغییرات جدی اجتماعی شده است.

اگر جنبش ها مذاکرات به عنوان هدف اصلی حرکت خود بدانند، به احتمال زیاد به مذاکره مؤثر می پردازند، به طوری که آغاز مذاکرات به عنوان یک پیروزی تلقی شود، نه یک انحراف گیج کننده.

در صورتی که جنبش اهداف مشترکی را ایجاد کرده باشد، به طوری که گروه های مختلف با پیشنهاد امتیازات محدود از هم جدا نشوند، به احتمال زیاد مذاکرات مؤثر خواهد بود.

جنبش ها باید راه هایی برای پاسخگو کردن مذاکره کنندگان ایجاد کنند. (مذاکراتی که منجر به پایان یافتن اعتصابات Gdansk (ایالت آزاد دانتسیگ، امروزه، گدانسک، لهستان) شد، برگزاری این اعتصابات در مقابل دوربین های تلویزیونی بود که تمام جزئیات را برای ده ها هزار کارگری که در کارخانه کشتی سازی بیرون منتظر بودند پخش می کرد.)

در نهایت، مذاکرات به احتمال زیاد در صورتی به موفقیت می رسند که به جای الزام به تسلیم بی قید و شرط توسط مقامات، ابزاری برای عقب نشینی دلیپذیر فراهم کنند. این امر مستلزم این است که جنبش درک روشنی از خواسته های خود داشته باشد و بر سر چه موارد اتفاقی می تواند مصالحه کند.

مذاکره جایگزینی برای مبارزه نیست، بلکه راه دیگری برای انجام آن است. مذاکرات معمولاً منقطع و پراکنده هستند، جنبش ها باید از مذاکرات بی نتیجه فاصله بگیرند آماده شوند و به مبارزه بازگردند. همانطور که مائو گفت: "صحبت کن، بجنگ بجنگ".

نویسنده: جرمی برچر

ترجمه: عرفان رشیدی